**يك قصه علمي ـ تخيلي**

( فيدل كاسترو[1](http://pajuhesh.irc.ir/Product/magazine/show/mag/39377/page/5/id/1562/indexId/54233/book_keyword/occasion/index/1#book-footnottext-1)
چكيده:
رهبر انفلاب كوبا در مقاله خود مي كوشد چشم اندازي را از سياست هاي خارجي دولت اوباما در سال هاي پيش رو ارائه دهد كه هر چه از دوران رياست جمهوري او بيشتر گذشته، طرفداران بيشتري يافته است. او به بهانه سفر اخير اوباما به چند كشور آسيايي، با استناد به روند يك ساله رياست جمهوري وي معتقد است كه اوباما خارج از چهارچوپ سياست هاي امپرياليستي آمريكا كه عمدتاً تامين كننده منافع سلطه جويانه و منافع شركت هاي آمريكايي است، نخواهد توانست كار زيادي در ارتباط با شعارهاي انتخاباتي خود ، از جمله در حوزه هاي تغييرات آب و هوايي، كاستن از ميزان تسليحات هسته اي و سياست هاي هسته اي ايران انجام دهد. پيش بيني او اين است كه به احتمال زياد، اوباما بيش از يك دوره رئيس جمهور آمريكا نخواهد بود و راست افراطي در آمريكا، شخص ديگري را كه دست كمي از نيكسون، بوش و چني نخواهد داشت، روانه كاخ سفيد خواهد كرد.

به شدت از اين نكته متأسفم كه بايد از اوباما انتقاد كنم كه مي داند در آن كشور رئيس جمهورهاي بدتر از او هم مي توانند وجود داشته باشند. خوب مي دانم كه امروزه تصدي اين سمت در ايالات متحده، معادل دردسري بزرگ است. بهترين نمونه اين ادعا، گزارش شماره ديروز «گرانما» است كه مي گويد: «دويست و سي و هفت عضو كنگره آمريكا يا چهل و چهار درصد آنها ميليونر هستند.» اين بدين معني نيست كه هر يك از آنان يك مرتجع سرسخت هستند، بلكه بدين معناست كه براي آنها شديداً دشوار است كه احساسي شبيه احساس ميليون ها آمريكايي داشته باشند كه هيچ گونه دسترسي به مراقبت هاي پزشكي ندارند، بي كار هستند يا براي گذران زندگي خود مجبور هستند سخت كار كنند.
البته خود اوباما نيز آدم فقيري نيست، او مالك ميليون ها دلار است. او در حرفه خود بسيار مهارت دارد و تسلط او بر كلام، فصاحت زبان و هوش او جاي هيچ سؤالي ندارد. همچنين او با وجود يك آفريقايي ـ آمريكايي بودن به رياست جمهوري انتخاب شد كه در جامعه نژادپرست او، چنين اتفاقي براي نخستين بار است كه رخ مي دهد، جامعه اي كه در حال دست و پنجه نرم كردن با بحران اقتصادي جهاني عميقي است كه خود موجد آن بوده است.
اين حرف ها ربطي به ضديت با آمريكا به عنوان يك سيستم ندارد، برچسبي كه رسانه هاي جهنمي آن با مخالفان اين سيستم مي زنند.
مردم آمريكا گناهكار نيستند، بلكه خود قرباني سيستمي هستند كه نه تنها ناپايدار است بلكه جنبه هاي بدتري نيز دارد: اين سيستم با حيات بشر سازگاري ندارد.
اوباماي زيرك و نافرمان كه در كودكي و جواني رنج تحقير و نژادپرستي را به جان خريده است، اين چيزها را درك مي كند، اما اوباما كه در همين سيستم تحصيل كرده و به آن سيستم و شيوه هايي متعهد شده كه او را به رياست جمهوري آمريكا رسانده اند، نمي تواند در برابر وسوسه اعمال فشار، تهديد و حتي فريب ديگران مقاومت كند. او يك معتاد به كار است. شايد هيچ رئيس جمهور آمريكايي ديگري جرئت درگير كردن خود در چنين برنامه فشرده اي كه او قصد دارد در طول هشت سال تصدي رياست جمهوري اش به اجرا بگذارد را نداشته است.
طبق برنامه، او در سفري مفصل به آلاسكا خواهد رفت و قصد دارد براي سربازاني كه در آنجا مستقر هستند سخنراني كند. بعد از ژاپن، سنگاپور، جمهوري خلق چين و كره جنوبي ديدار خواهد كرد. او در اجلاس «كنفرانس همكاري هاي اقتصادي آسيا ـ پاسيفيك ـ» و «مجمع كشورهاي شرق آسيا» شركت خواهد كرد. او گفت و گوهايي را با نخست وزير ژاپن و امپراتور اين كشور آكي هي تو در سرزمين آفتاب تابان و نير نخست وزير سنگاپور و كره جنوبي و رئيس جمهوري اندونزي سوسيلو بمبنگ، رئيس جمهور روسيه دميتري مدودوف و رئيس جمهور جمهوري خلق چين هو جين تائو انجام خواهد داد. او چندين نطق و كنفرانس هاي مطبوعاتي را نيز انجام خواهد داد. در تمام اين مدت او كيف هسته اي اش را نيز به همراه خواهد داشت كه اميدوار است در طول سفر شتاب زده اش، اصلاً مجبور به استفاده از آن نشود.
مشاور امنيتي او گفته است كه اوباما گفت و گوهايي را با رئيس جمهور روسيه بر سر تداوم پيمان استارت ـ 1 كه در پنجم دسامبر 2009 تاريخ آن به پايان خواهد رسيد، انجام خواهد داد. ترديدي نيست كه بر سر كاستن تعدادي از تسليحات زرادخانه هسته اي توافقاتي صورت خواهد گرفت، ولو اينكه اين كار هيچ تأثير و پيامدي براي صلح و اقتصاد جهان نداشته باشد.
دوست متمايز ما چه برنامه اي براي گفت و گوهاي خود در طول اين سفر فشرده دارد؟ ايالات متحده دستور جلسه اين گفت و گوها را اعلام كرده است: تغييرات آب و هوايي و بازسازي اقتصادي، خلع سلاح هسته اي، جنگ در افغانستان و خطرات جنگ با ايران و جمهوري خلق كره. براي نگارش يك كتاب علمي ـ تخيلي، مواد و مطالب زيادي در دست است.
اما اوباما چگونه مي تواند مشكلات مربوط به تغييرات آب و هوايي را حل كند، وقتي كه موضع هيئت نمايندگي كشورش در طول گفت و گو هاي مقدماتي نشست كپنهاك، هم در بانكوك و هم بارسلون، در مورد آلودگي گازهاي گلخانه اي در ميان كشورهاي صنعتي و ثروتمند، بدترين موضع بوده است، چرا كه آمريكا تصميم گرفته پروتكل كيوتو را امضا نكند و اليگارشي حاكم بر اين كشور تمايلي به همكاري بي قيد و شرط در اين زمينه ندارد.
او چگونه مي تواند در يافتن راه حل براي مشكلات اقتصادي مخوفي كه بر بخش عمده اي از بشريت تأثير گذاشته اند مشاركت كند، در حالي كه تا پايان سال 2008 ، كل بدهي ايالات متحده ـ شامل بدهي هاي فدرال، ايالتي و ادارات محلي، كسب و كارها و خانواده ها ـ بالغ بر پنجاه و هفت تريليون دلار يعني بالغ بر چهارصد درصد توليد ناخالص ملي اين كشور و كسري بودجه آن به حدود سيزده درصد توليد ناخالص ملي آن در سال مالي 2009 رسيده است، اطلاعاتي كه بي ترديد اوباما نيز از آن آگاه است.
او چه پيشنهادي مي تواند به هو جين تائو بدهد، زماني كه سياست هاي آشكارا حمايت گرانه اش، هدفي مغاير با صادرات چيني را دنبال مي كنند و كليه هزينه هايي را كه دولت چين با يوآن ارزش گذاري كرده، مطالبه مي كند؟ اقدامي كه تأثيري وارونه بر واردات رو به رشد «جهان سوم» از چين خواهد داشت.
الهيات دان برزيلي لئوناردو باف كه مريد كارل ماركس نيست بلكه يك كاتوليك وفادار در جرگه كساني است كه تمايلي به همكاري با امپرياليسم در آمريكاي لاتين ندارند، اخيراً گفته است: «. . . ما تنوع حيات را در معرض خطر انهدام و نابودي قرار داده ايم».
امروزه تقريباً نيمي از بشريت زير خط فقر زندگي مي كنند. بيست درصد ثروتمندترين ها در حال مصرف هشتاد و دو و چهل و نه صدم درصد از كل ثروت هاي روي زمين هستند، در حالي كه بيست درصد فقيرترين ها، با سهم ناچيزي برابر با يك و شش دهم درصد از اين ثروت ها گذران زندگي مي كنند.» او با نقل جمله گزارشي از فائو هشدار مي دهد: «... در سال هاي پيش رو، صد و پنجاه تا دويست ميليون نفر به خاطر تغييرات آب و هوايي آواره خواهند شد.» و بعد مي افزايد كه «بشريت امروزه در حال مصرفي سي درصد بيش از ظرفيت باز توليد زمين است. . . سياره زمين در حال ارسال نشانه هايي غير قابل انكار مبني بر اين است كه ديگر توانايي بيش از اين را ندارد».
آنچه او مي گويد حقيقت دارد، اما اوباما و كنگره ايالات متحده هنوز متوجه اين موضوع نشده اند.
دستاورد او براي اين نيمكره چه خواهد بود؟ مشكل شرم آور در هندوراس و الحاق كلمبيا كه در آن ايالات متحده هفت پايگاه نظامي داير خواهد كرد. آمريكايي ها بيش از يكصد سال پيش يك پايگاه نظامي را در كوبا داير كرده اند و هنوز كه هنوز است به زور در آنجا باقي مانده اند. آنها همين پايگاه نظامي را به يك مركز شكنجه هولناك تبديل كرده اند كه آوازه آن در سراسر جهان پيچيده است، همان شكنجه گاهي كه اوباما هنوز قادر به تعطيل كردن آن نشده است.
از نظر من، زماني كه اوباما دوره رياست جمهوري اش را به پايان برساند، شش تا هشت دولت دست راستي در آمريكاي لاتين وجود خواهند داشت كه متحدان امپرياليسم خواهند بود. از طرف ديگر، راست افراطي در ايالات متحده خواهد كوشيد رياست جمهوري او را به يك دوره محدود كند. بار ديگر يك نيكسون، يك بوش يا كسي شبيه چني به كاخ سفيد راه خواهد يافت. آنگاه خواهد بود كه معناي ايجاد اين پايگاه هاي مطلقاً غير قابل توجيه روشن خواهد شد، پايگاه هايي كه امروزه با بهانه مبارزه با قاچاق مواد مخدر، مردم آمريكاي جنوبي را مورد تهديد قرار مي دهد. مشكل مواد مخدر نيز مشكلي است كه با ده ها ميليارد دلاري كه سازمان هاي جنايات سازمان يافته و محافظت از مواد مخدر در آمريكاي لاتين از ايالات متحده دريافت كرده اند، به وجود آمده است.
كوبا نشان داده كه اين كشور تنها عدالت و توسعه اجتماعي را راه مبارزه با مواد مخدر مي داند. در كشور ما نرخ جنايت، يك نفر در هر صد هزار نفر است كه پايين ترين نرخ در جهان به شمار مي رود. هيچ كشور ديگري در نيمكره ما نيست كه بتواند چنين نرخ خشونت پاييني را به نمايش بگذارد. آشكار است كه با وجود محاصره هاي موجود، هيچ كشور ديگري نتوانسته است به سطوح آموزش عالي بالاي ما دست يابد.
مردم آمريكاي لاتين در برابر يورش امپرياليسم مقاومت خواهند كرد!
سفر اوباما يك داستان علمي ـ تخيلي به نظر مي رسد.
منبع:info .www.InformationClearinghouse

[1. Fidel Castro رهبر کوبا.](http://pajuhesh.irc.ir/Product/magazine/show/mag/39377/page/5/id/1562/indexId/54233/book_keyword/occasion/index/1#book-footnot-1)